

نام

مهندس بازرگان

په

حجت الاسلام خامنه ای

دییوکل حزب جمهوری اسلامی

حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه ای
رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با حمد خدای سبحان، درود بر پیغمبران و شهدان و صالحان و با تجدید سلام
و دعای مافیت و توفیق برای آنجناب، بار دیگر زحمت افزا میثوم.

این نامه رانه بریاست جمهوری و شخص جنابعالی بلکه به دیرکل حزب جمهوری
اسلامی می نویسم. سلام و گلابه و اعتراض بحزب زینظارتان دارم. حزبی که همسوز
نفهمیده ام چرا از روز تاسیس سرباسازگاری و بی لطفی (و بعداً بی انصافی) نسبت بدولت
موقت و نهضت آزادی و اینجانب داشته اند، در صورتیکه نظر شهید دکتر بهشتی در
مذاکراتی که سال قبل از پیروزی انقلاب با آقای دکتر سبحان و بنده برای ورود درسیاست
و تشکیل حزب داشتند ترکیب و توسعه نهضت آزادی ایران بود.

فعلاً از گذشته و از بوش و نیش های سنوات اخیر حرفی نزنه با اجازه تان تنها دو جریان
را بهش میگویم و جنابعالی را قاضی میگویم. یکی سرمقاله ۱۶ دی بهشت ۱۳۶۱ ارگسان
حزب تحت عنوان "آیا سزاوار است" و چاپ نکردن جواب آن که خواهش نموده بودیم
شخصاً ملاحظه و اقدام خدا پسندانه ای که خود بهسندید بفرمائید (۱). جریان دوم که
نازواتر از اولی است اینکه اجازه داده اند در چهارشنبه شب دوم تیرماه جاری شخص
که خودتان بهتر از بنده بمواقیش آگاهی دارید در مجلس عزای ماه رمضان برای تجلیل
از شهدای هفت تیر حزب و بدون آنکه مناسبی در کار بوده و خیر و رحمتی نثار ارواح آنان
بشود علیه نهضت آزادی و دولت موقت سخن پراکنی کذابی یا "عقدہ نکانی" بنماید!

جنابعالی در آن شب حضور نداشته با احتمال قوی فرصت تطشای بخش طهرانی و لوسی
راشم نکرده و شاید ندانید چه قلب حقیقی و ایراد اتهامات و تحریکات بعمل آمد! ..

x x x

بسیار ناگوار و باعث تاسف است در ایامی که ملت و دولتمان درگیر مسائل سرپوشش ساز
مملکت و در حل مشکلات تاریخ ساز انقلاب و جهان هستند و هر فرد یا گروه باید با تمام
وجود مشارکت و قبول مسئولیت بنماید هر چند گاه فکر ما و وقتهای صرف حواشی
بی خاصیت و دفع اباطیل و حملاتی میشود که جنبه خصوصی یا گروهی دارد و دیگران مطرح
نمیشوند. چه کنیم که ایادی و افرادی دست بردار نبوده بانقشه منظم و برنامه مستمر

از راههای اغوا و انحراف و افتراء به ایجاد جو بدبینی و بدخواهی، یعنی به تفرقه ملت و تخریب مملکت میپردازند. اگر چیزی نگوئیم هم بلحاظ دفاع نفس که وظیفه هر مظلوم در برابر ظلم است مسئول خواهیم بود و هم بلحاظ دفاع از حق و حقیقت و حقوق مشابه دیگران، که وظیفه مهتری در برابر خلق خدا و انقلاب و تاریخ است، مقرر میشوم. بعلاوه خود شما اگر چنین ناسزاها را میشنیدید چه میکردید؟

بعد از آن شبه تنها دوستان اینجانب بلکه مرشوبیده یا خواننده بیطرف که آگاه از واقعیتها باشد از خود میبرد چه نقشه و هدفی در کار است و غرض سخنران که میگفت اعضاء اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب و مسئولین آنزمان آدمهای زرنگی بوده و وارث نظام شدند تا حکومت لیبرالیسم و دموکراسی را بوجود آورند و امریکا را راضی کنند، چیست. بعلاوه چگونه و بدستور چه کسی این زرنگها روی کار آمدند؟

جوانان و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی آنها از امام، جنابعالی و آقای هاشمی رفسنجانی نشنیده اند و میدانند که انتخاب و انتصاب نخست وزیر و تشکیل دولت موقت نه روی زرنگی و فرصت طلبی و زمینه چینی ما بوده است و نه به پیشنهاد و تقاضای اینطرف. شما بنظر که در مسأله ای اشاره فرموده بودید نظر و تصویب خود آقایان مخصوصاً امام به این امر تعلق گرفته بود. خط مشی و برنامه دولت موقت نیز در عهد امام با انشاء شهید مطهری و توشیح ایشان صادر گردید. در آن فرمان آنها تصریح به اطلاع از سوابق مبارزات ملی و اسلامی و اعتقاد کامل نشده بود؟ پسوند "دموکراسی" بر عنوان جمهوری اسلامی که بهانه تهمت و توهمین های سخنران آنشب و مغرضین متعدد دیگر شده است مگر در اساسنامه مبوب شورای انقلاب در جلسه مورخ ۱۷ بهمن ۵۷ بر طبق نظر شهید دکتر بهشتی نیامده بود؟ مگر رهبر انقلاب در مسأله های مکرر نجف و پاریس مکرر فرموده بودند که حکومت اسلامی یک نظام جمهوری و دموکراسی است؟ علاوه بر اینها مگر در طول مدت نه ماه مسئولیت چندین بار اعلام نکرده بودیم که طلاق و اصرار باین مقام نداشته هر زمان که رهبری انقلاب و شورای انقلاب کمتسریں ناراضی داشته باشد یا راه حلهای بهتر بنظرشان بیاید بید رنگ کنار خواهیم ریفت؟ آمدنمان و ماندنمان زرنگی بود یا "تکلیف شرعی" که از طرف امام ارجاع و اصرار میشد؟ اگر این جریانها حقیقت است چرا باید در مرکز حزب بگذارند (یا بخواهند) چندان اکاذیب بیان گردد و صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنها را پخش کند؟ و چرا یک جوانی

مسلان از میان آقایان درخواست که بحکم " ولاتکتواالشهاده ومن یکتمها فانه اثم قلبه " شهادت بحق بدهد ؟

آیا نیما یستی در برابر این باوه سرائیها جواب داده میشد که با صغری و کبری چیدنیهای سسخته آمیز خرید ، رهبر انقلاب و یاران برگزیده اودر شورای انقلاب را بدنام و شریک اصلی جرم میکنند ؟ آیا واقعا شما آقایان چه زنده ها و چه رفته ها گول ما هارا خورده بودید یا با سپردن کار بدست امثال ما تعزیه گران آمریکا شده بودید ؟ ..

در نه ماه عمر دولت موقت کدام اتخاذ موضع سیاسی و اقدام اساسی بود که بدون اطلاع و نظارت و تصویب آقایان صورت بگیرد یا از شوری و از رهبری انقلاب که ارتباط متقابل منظم مستمر داشتیم پرده پوشی شود ، تا چه رسد که ساخت و پاخت با خارجی بکنیم . اوصاف و شهادت داشتن و شهادت بحق دادن هم خوب چیززی است .

بقیلا خاطر تان هست و صورت جلسه های نزد آقای دکتر شهبانی گواهی میدهد که سه جلسه شورای انقلاب در حوالی شهریور ۵۸ اختصاص به بحث و بررسی سیاست خارجی یافت و آقای دکتر یزدی در گزارش پیشنهادی هیئت دولت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را منقسم و معطوف به سه دسته کشورهای (۱) ابرقدرت ها (۲) غیر متعهد ها و شرقی سه و (۳) مسلمانها نمودند که مورد تایید و تصویب قرار گرفت . فقط در مورد کشورهای مسلمان بعضی از آقایان و مخصوصا شهید دکتر باهنر توصیه و تاکید بتوجه و توسعه بیشتر داشتند ولی شوری کمترین اظهار نظر و ایرادی نکرد که روابط خارجی مادر کلیه موارد بر مبنای استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با دوستی و احترام متقابل نسبت بحقوق طرفین باشد و در مورد ابرقدرتها سیاست موازنه منفی مرحوم دکتر مصدق باشعار " نه شرقی و نه غربی " انقلاب را تعقیب نمائیم .

آیا با آمریکا ما جز به روش " کجدار و مریز " که کلام و جواب امام بمسئوال ما در خرداد ۵۸ پس از آنکه سفیر پیشنهادی آنها را نپذیرفتم بود ، عمل کردیم ؟ فکر نمیکنم گزارش مخصص چهار ساعته راکه آقای دکتر یزدی محداز مسافرت کوبا و سازمان ملل متحد و بعد از مذاکرات با وزرای خارجه کشورهای مختلف از جمله آمریکا در شورای انقلاب داد و حاکمی از مبرغیبی روح انقلاب اسلامی ایران و مطالبه حقوق سیاسی و مالی ما ، تحویل گرفتن سلاحهای خریداری شد ، قبلی و تصفیه حساب سپرده های باقی مانده نزد آمریکا بود ، فراموش کرده باشید . در آن جلسه چهار ساعته شورای انقلاب و دولت که در نخست وزیری تشکیل شد

آقایان جز تأیید و تشویق عکس العمل دیگری نداشتند . این مطلب را هم یقیناً از همان موقع بخاطر دارید که وزارت خارجه دولت موقت بعضی اطلاع از قصد آمریکا به انتقال شاه بهانه معالجه و پیش از آنکه در هیچ سخنرانی یا راه پیمائی و شعاری مطرح شده باشد اعتراض شفاهی و کتبی نموده رسماً خواهان برگرداندن شاه و فرج گردید .
با این اوصاف چه انصاف است که چنان داستانهای دروغ و نفاق آوردن باره مادر حزب شط سرداده شود !

x x x

البته يك سخنور حرفه ای با چم و خم های هنرپیشگی میتواند بمسئولت از آستان و ریسمان حوادث بافته و قایم مختلف و اشخاص مخالف را سرهم کرده حقایق را وارونه جلوه داده بدریغ و بهشمرانه وانمود کند که :

- ملاقاتها و مذاکرات رسمی علی که با همه نمایندگان خارجی از جمله آمریکا انجام میگردد
- و کارچاری هر دولت است زد و بند های پشت پرده و گزارشگری با آمریکا بوده است ،
- اهمیت سلطنت در آن مدت و حرکت های سازندگی همراه با عدم تعرض و توطئه های آمریکا نشانه سازشکاری و مزدوری است ،
- عمل ما انهدام انقلاب و سرشکستگی اسلام در جهان بود برنامه پیش ساخته برای مهار نمودن اسلام و کند کردن شمشیرهای اسلام داشته ایم (یعنی علی راهب که در پنج سال خلافت جز برای دفاع در برابر حملات داخلی شمشیرزده و قشونی بعزما نفرستاده است باید ضد اسلام و ضد رسول الله دانست) .
- خلاصه آنکه دولت موقتی ها بدتر از بنی امیه و نهضت آزادیها لبرال بودند ، لیبرال .. بمعنای بی خدا و خادم غیبها . . .

در نظر سخنران منتخب حزب اسلام کسانی که در بحبوحه اختناق داخلی و اتحاد خارجی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ علیه زر و زور و تزویر قیام کرده "شیمه صفوی و شیمه طوی" نوشته محاکمه و زندانشان بخاطر "چرا با استبداد مخالفیم" و بدلیل خلع ید از شرکت نفت انگلیس و اعتراض عمومی برضد قرارداد کنسرسیوم نفت بود ، اسلام شاه عاسی و باصرا دینشاهی و آمریکائی میشود ! . . .

پناه صبرم بخدا ! سبحانک اللهم هذا بهتان عظیم !
پناه بخدا صبرم چون نه شورای قضائی و بازرسی کل کشور ترتیب اثر به اعلام جرمیای ما

میدهند. نه دادگاه انقلاب که قاضیش مدعی است دادرس میکند و نه حق و وفا در این جمهوری حاکمیت دارد. یقین دارم غیر از خدای حکیم طیم مردم ایران و دنیا و تاریخ نیز قضاوت خواهند کرد.

اما بفرض که ما خائن بودیم آیا امام و شمام خواب بودید؟ چه طور گذاشتید ما چنین جنایات عظیم را انجام دهیم و چرا اصرار به نگاهداشتن ما داشتید؟!

نمیگویم از ما بلکه از خودتان، از رمبیری انقلاب و از انقلاب دفاع فرمائید.
با این ترتیب برای چه کس در کشور جمهوری اسلامی و در حزب جمهوری اسلامی حیثیت و امنیت باقی میماند؟

در حزب جمهوری چرابجای دولت موقت جریان کلاهیها، کشمیریها و فخارگراییها که چگونه آمدند و رفتند و کارداران و سفرای مکتبی که چگونه انتخاب شدند به پناه دشمنان رفتند، مطرح نمیگردد؟ آیا دولت موقت دیناری از بیت المال به اجانب داد یا قرارداد و بیایه ای برخلاف مصالح مملکت و تصویب مقامات قانونی امضاء کرد؟

x x x

در نشریه ای بنام "ایران و اسلام" تجزیه تحلیل منطقی مستند و زکریه گرفته بودم که (اکثریت مبارزین مسلمان و فعالین دوران انقلاب) و بنده بعنوان فریضه دینی و ملی وظیفه خود را "خدمت به ایران از طریق اسلام" میدانستم اما سخنران "صدیق" نظریه ام را ظییرغم متن موجود بصورت "اسلام در خدمت ایران" تحریف نموده سند دیگری علیه ما ساختند. ما از پیشنهاد ایشان که حزب جمهوری یک میلیون نسخه از آن نشریه را چاپ و منتشر نماید استقبال مینمائیم تا همسوه بیت مشارالیه آشکار شود و هم اعضاء حزب محترم و مردم مملکت که دید و دلشان فقط از یک کانال تغذیه میشود بر مبنای منطق و قرآن آنرا بررسی و قضاوت صحیح بنمایند.

x x x

همه این ادعا و تحریکات و اتهامها برای شاعر مسلکهای مجلس آراء کار ساده ای است. انحصراً بتبعیهم القانون، الم ترانهم فی کل واد یهیمنون. یک فردی که تیمسار رئیس ستاد کودتای ۲۸ مرداد و استاندار نایب التولیه طاغوت را طاک اشترشاه لقب میدهند و جواب مثبت به رازاندوم "انقلاب شاه و مردم" را فریضه دینی در مجله آستان قدس تلقی و ظنن مینمایند و در روزگاری که ورق بر میگردد چاپلوس و غلو تطقش رهبر انقلاب

را به اعتراض و امیدارد. اقتضای طبیعتش این است که به قدح و دشنام کسانی بپردازد که زطای متهم و مطرود-مهازین و مسلمانان بوده به نشستن پای منبرشان در مسجد هدایت و خواستن مقدمه یا چاپ کتابهایشان افتخار و اتکاء مینماید .

هیچ گفتاری درد نیا آسانتر و در عین حال کثیرتر از بدنام کردن و تهمت زدن نیست .

بسهولت و سرعت میشود فضای مجلس یا کشوری را مسموم نموده برای نشو و نما ی تخم های کینه و خصومت و برای اشاهه فحشاء و فساد مساعد ساخت .

کمتر کاری هم مانند غیبت پیش خدا و خلق مورد بغض و نفرت است . وقتی حق خستبر و امکان دفاع یا ارتباط با جامعه از فرد یا گروهی (چه نهضت و چه غیر نهضت) سلب باشد هرگونه حمله و ایراد در حکم غیبت محسوب میشود . غیبتی که قرآن تشبیه به چویدن و ارتزاق از گوشت برادر رکشته مینماید .

حال آنها حزب جمهوری با انتشار آن مقالات و اتکاء به این قماش افراد خدمت به انقلاب و به اسلام و جمهوری مینماید و میخواهد با نائین آوردن و سیاه کردن پایه گذاران و پیر سابقه ترین افراد مبارزه و انقلاب، سوسین خود و تازه واردان را بالا ببرد و یوسنماید کنند ؟

مگر حزب جمهوری اسلامی در " مواضع ما " اعلام کرده است که " جامعه تک حزبی نیست و احزاب و سازمانها و گروههایی که براساسی سلطان اند با هم رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند ، نه رقابتهای خصمانه که برادری و وحدت امت را برهم میزند و رشک و کینه تیزی را بجای آن مینشاند ؟ آیا در عمل هم چنین است و این روشها آنهم در مرکز حزب ششمینول " رسوبات اخلاقی نامطلوب که متاسفانه در جامعه ما وجود دارد ... نباید همسواره با آن درستیز بود " نباشد ؟

مگر شط در همان " مواضع ما " اعلام نکرده اید که " نشر دروغ و تهمت و اغتراب و شایعه نیز گناه و ممنوع است و در خور کیفر و باید طبق ضوابط قانونی از آن جلوگیری شود " ؟

x x x

اصلاً کبیرال گفتن بها و بکار بردن اصطلاح و اتهامی که اولین بار حزب توده خط آنرا داده و شخص منافق در روزنامه کیهان دامن زده بود چه معنی دارد ؟ صرف نظر از اینکه نبرالیم و ناسیونالیسم (یا ملی گرایی که غیر از ملی بودن و ملیون است و هر کس دام از آنها م بها خنوم و مورد داشته و هیچک الزاماً مترادف و منادی شریک بخدا و رهائی

از قانون و اخلاق نیست) جز از طریق هوچیگری، قابل تطبیق با کسانی نمیتواند باشد که در مسجد و کلاس و کتاب و اعلامیه ها ایراد بهم "ایسمها" داشته اثبات نارسائی آنها و نفی از خود کرده اند. کسانی که برای اولین بار در ایران - و شاید در کشورهای مسلمان - بطور علمی استخراج ایدئولوژی و نظام حکومتی از قرآن و اسلام کرده. مرامهای شرق و مغرب اروپا و آمریکا را در قالب واحد "دنیاپرستی" جمع زده اند. یا علیه هر گونه التقاط و تقلید و با "آفات توحید" مبارزه کرده. مدافع محکم اصالت اسلام و "بازگشت بقرآن" بوده اند. مگر مرحوم طالقانی و دکتر سبحانی و مهندس کتیرائی و بنده. یا خود شاعر شهید مطهری و دکتر شبیبانی و فهیم و آن فرد منافق، بنا به پیشنهاد آقای احمدزاده. یک هیئت مخفی در سالهای ۵۳ و ۵۴ برای تدوین جهان بینی اسلامی تشکیل داده. شش هفت ماهی کار جدی نکردیم که حمله ساواک در مشهد بخانه ای که غیبههای آن کارنگاهداری شده بود برنماند و معتزق کرد؟ مجدداً در سال ۵۵ در بنک افطار نهضتی و انجمن اسلامی مسندسین نبود که تازه از زندان خلاص شده بودید و من از جناح مالی بنا اصرار خواهم کردم با فرصتی که دارید و با یادداشت‌های موجود آن جهان بینی را تمام کنید؟ حال آیا باید در حزب اجازه داده شود که مداحان حرفه ای رطب و یابوس بهم بافته بطور ضمنی سوابق انقلاب و خدمات خودتان و دوستان را سیاه کنند؟

x x x

نظیر چنین گفتارها و کردارها - و بدتر از آنها - در همه انقلاب‌های دنیا وجود داشته و گفته اند که انقلاب فرزندان خود را میخورد. در انقلاب کبیرفرانسسه، در انقلاب اکتبر روسیه، در چین و در جاهای دیگر حتی در الجزایر و غالباً دیده شده است که بیش از ضد انقلاب خود انقلابیها با رقابت بر سر قدرت و بهانه اصالت مکتب چه طرد و کشتارها از قبلیها و خودیها کرده. تعویض و تصفیه ها بعمل آورده اند، مثلاً زشوروی خصوصاً زمان استالین. اما آیا انقلاب ما هم که انقلاب اسلامی است باید چنین باشد؟ آیا در ایران شیعه بخداز چهارده قرن تفهیم و توسعه باید تجربه تلخ بنیامیه و بنی عباس با قبایلی شدن ابوزرها و عاریسرها و حجرین عدی ها و مخصوصاً اهل بیت عصمت و طهارت تکرار شود؟ در مساجد و مدارس و جمعه های جمهوری اسلامی ایران آیا باید سب و لعن های اموی اجترأ گردد؟ البته در مکتب مارکس و انقلابهای دیالکتیکی تزوآتی تزیهستی هر مولود وابسته به نیستی والد است و طبیعی خواهد بود که چنین سرپوشش شامل هر "والد و ماؤکد" بشود.

در خانه لازم است عرض کنم که ما ناراحتی و اعتراض باینکه روزنامه ما محیط حزب جمهوری اسلامی نظریات مخالف داشته انتقاد و ایراد بها و بهر گروه و مکتب دیگر بگیرد نداریم. این راهم نگوئیم که نهضت آزادی ما حزب شمار با تندروی ها و با افکار راجح و کارهایی که میشود اختلاف نظر نداریم و تأیید کننده چشم و گوش بسته هر چه میمانیم هستیم. اعتراض ما به اظهارات ناحق مفرضانه و اتهامات ظالمانه است و به انحصارگری و یکطرفه بودن آزادی زبان و قلم و عقیده. والا از اظهار نظر آزاد و از اختلاف و انتقاد استقبال نموده سرکوبی آزادی و محرومیت یک جامعه ما مکتب را از مواجعه با عقاید و آراء مختلف و مخالف باعث رکود و خاموشی و خرابی آنها میدانیم. بفرموده پیغمبرمان اختلاف امتی رحمه.

همه حرف و دعوی ما بر سر آزادی در همان حدود قانون اساسی است.

حال آیا حزب محترم جمهوری طرفدار اختلاف سایرین و انحصار برای خود و معتقد به صفت و عظم مطلق برای اعضاء خویش و لو کلامی شاه کشمیری ها و فخار کرمانی های دیگر که هنوز دستشان رو شده است میباشد؟ وجود اختلاف و انتقاد را ولو در چارچوب قانون اساسی الحاد و خیانت تلقی مینماید؟ فکر نمیکند که بدون آزادی عقیده و بیان و اجتماع مصونیت کثرت و انقلاب از اشتباه و الحراف و از فساد و ظلم و دیکتاتوری محال است؟ با نبودن آزادی و برابری گروههای قانونی عدالت اجتماعی، امنیت قضائی و مهمتر از همه فریضه حیاتی امر بمعروف و نهی از منکر تعطیل نخواهد شد و فرمایش رسول اکرم تحقیق نخواهد یافت که لَنْ تَقْدَسَ اُمَّه لَا يُؤَخِّدُ فِيهَا حَقَّ الضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي غَيْرَ مَتَعْتَعٍ؟
همچنین است در دنیای افکار و علوم و اقتصاد که اگر آزادی فکر و تحقیق و تالیف و اجازه تغییر و ابتکار وجود نداشته باشد ابواب اصلاح و اکتشاف و اختراع بسته میشود و جامعه به خود جوشی و خود کفائی و استقلال نخواهد رسید.

از نظر سیاسی و حکومتی نیز بخوبی میدانید که اصل مشورت و سنن که هم پیغمبر بزرگوارمان در اداره امت حتی با ناجورترین افراد رعایت میفرمود و هم توصیه ای است که بخود امت در امور عمومی و اجرائی فیما بین شده است تا آنجا در حکومت علی پیشرفته است که اظهار نظر و دلالت و احسانا انتقاد بخودش را وظیفه و غنیمت میداند و بمالك اشتر میفرماید در اجرای دستورهای من پیش خدا مسئول بوده نباید المؤمن معذور بگویی بلکه بسنجی و اگر خلاف حکم خدا دیدی عمل نکنی ...

با این ترتیب چگونه در حزب جمهوری و ارگانهای رسمی و غیر رسمی آن اجازه داده میشود

درباره غیرخودشان و بجرم اختلافات سلیقه ای و نظری و روشی هرگونه نسبت ناروا و تهمت
به خیانت و جنایت و کفر داده شود و نظریات غیرموافق در حکم الحاد تلقی گردد ؟

باتشکر از عنایتی که فرموده اید
والسلام علیکم ورحمه اله وبرکاته

مهدی بازرگان

دبیرکل هیئت آزادی ایران



این نشریات را میتوانید از دفتر نهضت آزادی ایران دریافت نمائید

- ۱۳۶۰ آبان * قطعنامه نهضت آزادی ایران - کنگره سردار شهید دکتر چمران
- ۶۰/۹/۱۵ * مکاتبات آیت ۱۰۰۰ صدوقی با مهندسین بازرگان
- ۶۰/۱۰/۱۰ * نطق پیش از دستور مهندس صباغمان در مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۶۰ بهمن * درباره وسوسه های خناس بزرگ - صدای آمریکا چه میخواهد ؟
- ۶۰/۱۱/۱۲ * پاسخ به روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی
- ۶۰/۱۱/۱۵ * پاسخ به اطلاعات پیرامون مکتوب هفته
- ۶۰/۱۱/۲۴ * شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان
- ۶۰/۱۱/۲۸ * سیمای دولت موقت در پنج سند
- ۶۰/۱۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی ایران بمناسبت سالروز ملی شدن نفت
- ۶۱/۱/۲/۹ * "آیا سزاوار است ؟" جوابیه نهضت آزادی به روزنامه جمهوری اسلامی
- ۶۱/۲/۲۳ * بیانیه بمناسبت بهشت و یکمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران
- ۶۱/۲/۸ * نامه نهضت آزادی به علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه
- ۶۱/۲/۹ * مهندس بازرگان به آیت ۱۰۰۰ گهلاسی پاسخ میدهد
- ۶۱/۲/۱۹ * نامه نهضت آزادی به وزیر آموزش و پرورش
- ۶۱/۲/۲۰ * بیانیه نهضت آزادی بمناسبت تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان
- ۶۱/۲/۲۹ * بیانیه نهضت آزادی بمناسبت سالروز شهادت دکتر شریعتی
- ۶۱/۲/۳۱ * بیانیه نهضت آزادی بمناسبت سالگرد شهادت سردار شهید چمران
- ۶۱/۴/۱ * تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق
- ۶۱/۴/۲۰ * ویژگیهای خواجه - آنهاکه طی (غ) راکتند
- ۶۱/۴/۲۳ * اعتراض پیرامون حمله مهاجمین به برنامه احبای شب قدر نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی
تعاونوا علی التبر والتقوی

برادر
عزیز:
خواهر

نشریات نهضت آزادی ایران نتیجه تلاش گروهی است که با وجود وفاداری با اسلام، داشتن سوابق طولانی مبارزه در راه استقلال، آزادی و حاکمیت مآبی بر پایه اسلام و ایفاء نقشی مؤثر پس از پیروزی انقلاب، از امکانات چاپی محروم بوده و حتی در تکثیر و توزیع نیز دچار مشکلاتی بزرگ میباشند. با اینهمه در راه انجام وظیفه اسلامی و انسانی امر بمعروف و نهی از منکر از مشکلات، محدودیت ها، تهدیدات و سرزنش ملاتخران نهراسیده و بروشنگری اسلامی و توصیه بحق ادامه میدهد.

توفیق نهضت در ادامه این خدمت، پس از فضل الهی، در گرو کمک های معنوی و مادی شما عزیزان است. راهنمایی ها، تشویق ها و کمکهای مالی شما تأیید خدمتگزاری و تصدیق اخلاص ماست.

لطفاً نظرات خود را بصندوق پستی شماره ۴۱/۱۵۱۹ ارسال داشته و کمکهای مالی را بحساب شماره ۱۱۵۹۹ بانک ملی ایران (واحد ۱۳۱ مبارزان) بنام آقای مهندس توسلی واریز و رسید آنرا ارسال فرمائید.

تبلیغات و روابط عمومی

نهضت آزادی ایران